

جنگ رسانه‌ای در میراث فرقه‌نگاری

گاهی چنین تصور می‌شود که ادبیات فرقه‌نگاری و کتاب‌های ملل ونحل نویسی فقط آینه‌ای هستند که‌آرا و عقاید فرق و ملل ونحل دینی و مذهبی را بازتاب می‌دهند. در تمدن اسلامی از همان سده دوم نوشته‌هایی پدید آمدند که به‌معرفی اختلافات مذهبی امت اسلامی می‌پرداختند و به‌مرور زمان تاچندین قرن کتاب‌های مهم ملل ونحل‌نگاری فراهم آمدند. درچند سده گذشته نیز همچنان تولید این ادبیات تداوم داشته، گرچه درباره فرقه‌ها ومذاهب قدیمی‌تر بیشتر روایتگر منابع کهن‌تر است وتحلیلی دقیق‌وجدید دراین دست کتاب‌ها دیده نمی‌شود. شماری ازکتاب‌های ملل ونحل بادسته‌بندی دقیق‌تر اختلافات مذهبی دست به‌تحلیلی ازساختارهای اختلافات مذهبی می‌زده‌اند وگاه درمیان نویسندگان این نوع کتاب‌ها دقت درمبانی اختلافات فرقه‌های مذهبی مورد توجه قرار گرفته است، به‌نحوی که‌نوع اختلافات بر اساس ومبنای روشنی قابل تفسیر وانتظار است.

یکی از ابزارهای لازم برای چنین کاری تعیین سرچشمه‌های غیراسلامی برای مذاهب وفرقه‌های مخالف ورقیبان عرصه اجتماعی وسیاسی بوده است تا بدین وسیله «غیرخودی»بودن آنان راآفتابی‌کنند. بدین ترتیب برای بسیاری فرقه‌ها یاگرایش‌های مذهبی ومکاتب کلامی در این دست کتاب‌ها ریشه‌های افکار یهودی، مسیحی، زردشتی یامانوی ومزدکی قائل می‌شده وآن فرقه‌ها راگاه حاصل توطئه‌های دشمنان اسلام برای نفوذ قلمداد می‌کرده‌اند. در این چارچوب البته لازم بوده است که‌با ذکر پاره‌ای ازعقاید این فرقه‌ها، مشابهت‌ها را برجسته‌کنند. بااین وصف، بهره‌گیری از ابزار دروغ‌پردازی وشایعه‌پراکنی وجعل اسناد وزمین‌زدن خصم به‌هر طریق وجعل پاره‌ای ازسخنان موافق یا مخالف بر زبان پیشوایان خصم یامراجعی که‌اتریته مذهبی آنان مورد «اجماع» بوده، از شیوه‌های معمول بوده است. به‌طبیع قدرت‌های سیاسی یامکاناتی که‌در اختیار داشتند ونهادهای دینی رسمی که‌به‌خدمت می‌گرفتند، به‌سادگی می‌توانستند از این ابزارها بهره بگیرند.

تشیع قرن‌ها به‌عنوان اقلیتی در سرزمین‌های اسلامی، هدف چنین سازوکاری بوده است. بااین وصف، در کتاب‌های ملل ونحل‌نگاری تفکیکی قائل می‌شده‌اند میان گروه‌هایی که‌دچار «بدعت» هستند و آنان را اهل الأهواء والبدع، می‌خوانده‌اند و کسانی که‌معتقد بودند آرا وعقایدشان فراتر از «بدعت» است واَشکارا رنگ خروج از اسلام وهم‌مرزی با کفر پیدا کرده وتابدان حد که‌آنان را اهل کفر والحاد، می‌خوانده‌اند. عموماً در منابع ملل ونحل‌نگاری سنیان، میان شیعیان «رافضی» باباطنیان وغلاة شیعی تفکیکی قائل می‌شده، گروه دوم اهل الحاد می‌خوانده‌اند. به‌طبیع بخشی از آنچه در این میان گفته می‌شد فقط نوعی برداشت تأویلی از گفتار گرایش‌های دیگر آمیخته با اتهاماتی بود که‌با مستقیم جعل می‌شد یا حاصل شایعاتی بود که‌به‌تدریج ازگفتارهای شفاهی ودهان به‌دهان بدین ترتیب وارد ادبیات مکتوب می‌شد وبعد البته نقل و ذکر این نوع شایعات در کتاب‌های بعدی صورت ساده‌تری می‌یافت وبه‌حقیقت، تبدیل می‌شد.

در این نوع مجادلات مذهبی عنصر «شایعات» سهمی همواره سرنوشت‌ساز داشته وگاه حرف اول رامی‌زده است. انتقال این شایعات‌گاه به‌دلیل فرهنگ غالب زمانه در قالب نقل احادیث تسهیل می‌شد وبه‌کتاب‌های «رسمی»، راه می‌یافت. بسیاری از آنچه درباره فرقه‌ها ومکاتب مخالف در کتاب‌های ملل ونحل‌نگاری سنیان نقل شده، از این دست است. آنچه درباره قریبان وجهمیان وشیعیه ورافضه پرداخته شده، در اصل بخشی است از جنگ رسانه‌ای وتبلیغاتی که‌مهم‌ترین ابزارش «حدیث» بوده است ونیز نقل اتهامات وبه‌تدریج در کتاب‌های ملل ونحل. به‌طبیع بانقل پی‌درپی این نوع شایعات وتبلیغیات حاصل از جدال‌های فرقه‌ای این اتهامات به‌تدریج بخشی از «حقیقت» رابازسازی می‌کرده ودرعمل نفی آن حتی از ناحیه‌گرایش وفرقه متهم‌شده بسیار سخت وحتی‌گاه غیرممکن بوده است.

بدین ترتیب در برابر این نوع اتهامات دو واکنش متفاوت را این گونه فرقه‌های متهم دنبال می‌کرده‌اند ودرواقع ناچار از آن بوده‌اند: برای دفاع از خود، شیوه متبع آن بوده است که‌اصل اتهام رامی‌پذیرفته وآن را ناشی از انحراف گروهی اندک از پیشسینان ونه شیوه غالب قلمداد می‌کرده‌اند. به‌دلیل گذشت زمان وتجدد نسل‌ها ونقل پی‌درپی اتهامات یاسوءپردازی‌ها وتفسیرها در ادبیات مکتوب، نفی اصل آن اتهامات کاری ساده نبوده وبهترنی شیوه، پذیرش اصل آن وواکنشی متناسب با آن بوده است، به‌نحوی که‌بتواند وجود چنین اتهامی را تبریر کند. در اینجا بود که‌شیوه دوم مقابله شکل می‌گرفت، اینکه اصل اتهام به‌گونه‌ای پذیرفته می‌شد وآن‌گاه در راستای تبریر آن توجیهات تازه‌ای ارائه می‌شد که‌خود درواقع ابراز عقایدی تازه بر مبنای اتهامات دروغین گذشته بود.

بسیاری از آنچه در کتاب‌های ملل ونحل اهل سنت ونیز در کتاب‌هایی موسوم به «السنه»، به‌وسیله اصحاب حدیث در ابراز اتهامات مختلف به شیعیان ارائه شده، از این قبیل است؛ بهره‌گیری از اتهامات ساختگی وتبديل شایعات به‌گزاره‌هایی که‌تردید در آن به‌تدریج بسیار سخت می‌شده است. آنچه درباره عبد... بن سبا در این کتاب‌ها وریشه‌های عقاید اودیده می‌شود، از همین شمار است. اتهاماتی که‌معتزله به امامیه درباره اعتقاد به تشبیه می‌زده‌اند، درست در همین چارچوب قابل ارزیابی است. آنان با ارائه تفسیری نادرست از گفتار متکلم برجسته شیعی هشام بن الحکم وبا نقل مکرر این تفسیر بی‌پایه، آن را به‌صورت شایعه‌ای چندان گسترش دادند که‌نه فقط معتزله، بلکه حتی مخالفان آنان که‌در ساختن این اتهام سهمی نداشتند نیز آن را مکرر در کتاب‌هایشان نقل کردند وجالب اینکه برخی شیعیان در واکنش به این اتهام عین آن را پذیرفتند، اما یادرصدد توجیه آن برآمدن یان را انحرافی منحصر به هشام بن الحکم دانسته وحتی با جعل احادیثی وبر زبان امامان در دباورهای هشام بن الحکم در عمل آب به‌آسیاب خصم ریختند. در مقابل احادیث فضایل اهل بیت^(ع) که‌انکار اصل آن برای مخالفان امکان پذیر نبود نیز همین اتفاق افتاد وعینا احادیثی ساخته شد تا همان مناقب را برای صحابه یا خلفای راشدین ادعا کنند واین احادیث البته واکنش‌های حدیثی و اعتقادی خود را در طرف مقابل به‌دنبال داشت.

گفت‌وگوی شهرآرا با حجت الاسلام والمسلمین دکتر احمد مبلغی، عضو مجلس خبرگان رهبری

امید حسینی نژاد

افراطی‌گرایی یکی از آفت‌های نوین جریان‌های اسلامی در دنیای معاصر است. در قرن‌های نخستین برخی جریان‌های افراطی در میان مذاهب اسلامی وجود داشت، اما مسلمانان با وجود اختلاف‌های بنیادین، در کنار هم به‌گونه‌ای مسالمت‌آمیز زندگی می‌کردند واندیشه تکفیر جایی در میان آنان نداشت. پس از ظهور ابن تیمیه جریانی خاص در میان برخی اهل سنت شکل گرفت. او با اندیشه‌های تند و تیزش به دنبال آن بود تا با هر حربه‌ای اندیشه تکفیر را توسعه ببخشد. شاگردانش مانند ابن قیم نیز به دنبال آن بودند تا این مسیر را ادامه دهند. با شکل‌گیری حکومت آل سعود در شبه جزیره عربستان، اندیشه‌های ابن تیمیه و پیروان او مانند محمد بن عبدالوهاب در سرزمین حجاز حاکم شد و در طول سال‌های حکومت آل سعود بر عربستان، جریان افراطی‌گرایی بسیار رشد پیدا کرد. در مقابل جریان‌های زیادی در اهل سنت در برابر رویکرد تکفیری آنان ایستادند و نگذاشتند این تفکر در دیگر سرزمین‌های اسلامی حاکم شود. شیعیان نیز با رد نظریات ابن تیمیه و شاگردانش به دنبال آن بودند تا این خطر بزرگ را از سر دنیای اسلام رفع کنند. ظهور پدیده داعش در چند سال گذشته نمونه بارز حاکم شدن این تفکر افراطی در برخی نقاط سرزمین‌های اسلامی بود. این گروه تروریستی حتی برخی مذاهب اهل سنت را نیز تکفیر می‌کردند و فقط عقیده خود را در زمینه اسلام‌گرایی می‌پذیرفتند. در دنیای امروز نیازمند آن هستیم تا با دور کردن باقی‌مانده‌های این تفکرات افراطی، مسیری مسالمت‌آمیز برای ارتباط میان مسلمانان ایجاد کنیم. بسیاری از مذاهب اهل سنت با شیعیان متفق‌اند که این تفکر به‌نفع اسلام‌گرایی نیست. چندی پیش نیز شیخ احمد الطیب، عالم بزرگ مدرسه الازهر مصر، از شیعیان خواست تا در گفت‌وگوهای درون‌دینی شرکت کنند تا بتوان با این روش ریشه افراطی‌گرایی را خشکاند. تاریخچه پیگیری مسئله وحدت بین شیعه و اهل سنت به کوشش علمای شیعه پیشینه‌ای طولانی دارد. برای تبیین بهتر این مسئله، با دکتر احمد مبلغی، عضو مجلس خبرگان رهبری، گفت‌وگو کرده‌ایم.

● با توجه به دعوت اخیر شیخ الازهر مصر از شیعیان برای گفت‌وگوهای درون‌دینی، به‌نظر شما در وضع کنونی برگزاری این محافل چه کمکی به مبارزه با افراطی‌گرایی می‌کند؟

اوضاع کنونی جهان اسلام شکننده است و هیچ راهی وجود ندارد، مگر اینکه وحدت برقرار شود. وحدت هم امری زبانی و شعاری نیست، بلکه باید در عمل نمود پیدا کند. وحدت باید تعریف علمی پیدا کند، در لایه‌های اجتماعی شیعه وسنی تعریف شود ودقیقا بمبانی‌ای که امروز جهان اسلام را به هم مربوط می‌کند، معنا و مفهوم باید. نمی‌توان وحدت را فقط با حرف و شعار در جامعه پیاده کرد. باید وحدت را با توجه به موانع واوضاع موجود عملی کرد تا در این راستا به صورت عالمانه و اندیشمندانه طراحی و در جامعه اجرایی شود. ایجاد ارتباط بین امت اسلامی و هر سازوکاری که تحقق وحدت در جامعه را امکان‌پذیر کند، عمل وحدت‌گرایانه است. وحدت باید در سایه وحدت امت اسلام شکل گیرد. در فضای کنونی جامعه اسلامی بیش از پیش نیازمند وحدت است. در فضای جهانی شدن ایجاب می‌کند که جهان اسلام باهم‌گرایی وارد این فضا شود.

● برگزاری جلسات گفت‌وگو با رویه‌ای مسالمت‌آمیز با چه رویکردی به نتیجه مطلوب خواهد رسید؟

جلساتی که با هدف بررسی وحدت شیعه و سنی تشکیل می‌شود، فرصت مناسبی است. زیرا ما آن قدر درباره وحدت در فقر محتوایی به‌سر می‌بریم و اطلاعات ومعلومات کافی و ادبیات دینی فعال شده در این زمینه نداریم که هر چه بگوئیم جلساتی از این دست وتلاش‌های علمی باتمركز بر این بحث را به انجام برسانیم، باز هم کار چندان جدی وزیادی رخ نمی‌دهد.

قرن‌هاست شیعه وسنی به‌رغم اینکه همیشه ارتباط خوبی میان عالمانشان بوده، فاصله‌ها و احیاناً بدبینی‌هایی به هم و تعصباتی علیه هم داشته‌اند وجدا شدن هریک از دیگری (رها) هر چند به صورت محدود) به دنبال داشته است.

تولید ادبیات کافی و پاسخگو برای ترمیم این فاصله‌ها ضرورت فوری ومجوری انکارناپذیر دارد که‌با این حجم از فعالیت تقریبی که رخ می‌دهد و با این حجم ندهای وحدت‌آمیز از حیث کمیت و این جلسات اندک و کم، آن ترمیم مطلوب نسبت به چند قرن انفصال (ولو به‌شکل نسبی) رخ نمی‌دهد. متأسفانه گاهی هم که‌مجالسی برای وحدت شکل می‌گیرد، درون این جلسات هم

گسترش افراطی‌گری، پروژه غرب برای اسلام‌هراسی



اسلام‌هراسی که یک پروژه است و نه یک پروسه، افکار عمومی جهانی است. کوشش دشمنان بر این است که افکار عمومی جهانی نگاهی بدبینانه درباره اسلام پیدا کنند. در ذیل اسلام‌هراسی، رنجیره‌ای از هراس‌ها جای گرفته که همه در ارتباط با اسلام‌هراسی است، از جمله ایران‌هراسی و عرب‌هراسی. به بیان دیگر، راهبرد ایجاد هراس از اسلام همانا ایجاد هراس‌هایی است درون فضای امت اسلامی که بر اساس آن، بخشی از بخش دیگر دچار هراس شدید شود.

در این میان آن چیزی که به عنوان حرکت جدی‌تر در حال تعقیب است، شیعه‌هراسی وسنی‌هراسی با این رویه و برای رساندن مخاطبان به این نتیجه نادرست است که شیعه‌هراسی موطن افکار عمومی مسلمانان سنی مذهب وسنی‌هراسی موطن دیدگاه‌ها و ذهنیت‌های شیعیان است. این در حالی است که شیعه‌هراسی وسنی‌هراسی دو روی یک سکه‌اند که همان اسلام‌هراسی است. هراس‌های متقابل، هر کدام را به فکر سرنوشت خاص خود می‌اندازد. در نتیجه از این حقیقت غفلت می‌ورزند که سرنوشت مشترکی برای هر دو در قالب امت اسلام شکل گرفته است و این چنین تمرکز بر خرده سرنوشت‌ها باعث ایجاد فاصله‌های بزرگ میان امت اسلام از یکدیگر خواهد شد. آنچه به عنوان خروجی این وضعیت در دو اردوگاه شیعه وسنی اتفاق می‌افتد، این است که هر دو سرنوشتشان مخدوش ومعیوب خواهد شد و بنا بر این امت اسلامی به‌جای اینکه در مسیر رشد ونمو حرکت کند، در مسیر انزوا و پسرفت جهانی قرار می‌گیرد.

باید اذعان کرد که شیعه‌هراسی وسنی‌هراسی دو پدیده‌ای است که زمینه‌های داخلی به تقویت، موفقیت و فعال شدن آن کمک می‌کنند. اگر فعالیت‌ها و اعمال غیرمسئولانه در هر یک از دو اردوگاه شیعه وسنی انجام گیرد، به ایجاد یا تقویت زمینه‌های رشد هراس در طرف مقابل منتهی می‌شود.

ایجاد اسلام‌هراسی در غرب با گذشت زمان و در صورت کنترل نشدنش به دست مسلمانان در آینده بیشتر خواهد شد و راه آن از شیعه‌هراسی وسنی‌هراسی در جامعه اسلامی می‌گذرد. شیعه‌هراسی، سنی‌هراسی، ایران‌هراسی وعرب‌هراسی، رنجیره‌هایی به هم پیوندخورده‌ای هستند که همگی راه به اسلام‌هراسی می‌برند و درون آن تعریف می‌شوند.

خطبه فدکیه در میراث یهودیان قرائیم

تعبیه‌شده‌است، نگه‌داشت تا بعدا در سرداب یا مقبره‌ای به‌خاک سپرده شوند. ازجمله آثار بسیار مهم و ارزشمند این مجموعه‌ها، اوراق کهن پراکنده‌ای است که در مجموعه شاختر بوده واکنون در کتابخانه دانشگاه کمبریج نگهداری می‌شود: 51.86A.T-S Ar^۱. این نگاشته کهن که به دوره فاطمی (حدود قرن پنجم وششم) برمی‌گردد، شامل شش برگه می‌شود که‌با خط عربی وعبری نوشته شده است. متن عربی دو نقل مهم شیعی راشامل می‌شود: خطبه‌فدکیه وحديثی در فضیلت امیرالمؤمنین^(ع)؛ نکته جالب اینکه این دو متن همراه باسندنقل شده‌اند. از این رو بهتر می‌توان خاستگاه آن را پیدا کرد.

از معرفت نفس سخن به میان می‌آورد و در آثار مکتوب خود کمتر از مباحث این عربی نقل می‌کند، اما در جلسات خصوصی که به تفسیر غزلیات حافظ و گلشن راز، شبستری می‌پردازد، در فضای فکری این عربی گام برمی‌دارد. از این رو برای آشنایی دقیق باتفکر عرفانی علامه، کوشیده شده است تا افزون بر آثار مکتوب ایشان، از تقریرات شاگردان ایشان و از درس و بحث‌های خصوصی علامه استفاده شود. کتاب «آن یگانه، سیری در زندگی ونظام فکری علامه طباطبایی، در روزهای اخیر به کوشش انتشارات امیرکبیر وارد بازار نشر شده است.

از قلمی مهمی راه نگارش درآورد، بلکه شاگردان بزرگی را نیز پرورش داد. تأمل در عالم علامه، دردهای فکری روزگار کنونی را آشکار می‌سازد.

اندیشه علامه از ابعاد گوناگون فلسفه، کلام، اصول، تفسیر، فقه و دیگر علوم اسلامی قابل بحث است. در جلد اول کتاب «آن یگانه، از برخی ابعاد شخصیت فکری و اخلاقی علامه سخن به میان آمده است. در جلد دوم درباره اندیشه‌های علامه در زمینه کلام، عرفان وتفسیر بحث و بررسی شده است. مباحث کلامی علامه، هم جنبه عقلانی دارد وهم جنبه قرآنی، وی گستره مباحث کلامی را از قرآن دریافت می‌کند، اما آن‌ها را به‌صورت فلسفی تفسیر می‌کند. در عرفان نیز علامه

گاهی اموری از سنخ خلاف وحدت واقع می‌شود که کارکرد چنین جلساتی را که حجمش همین‌طوری هم اندک است، کم می‌کند.

● جریان‌های تکفیری در کجای این پازل ضدتقریبی قرار دارند و هدفشان چیست؟

امروز بزرگ‌ترین عامل تهدیدکننده کیان امت ومذاهب اسلامی «تکفیر» است. تکفیر پدیده‌ای رو به فزونی است که در صورت مهارنشدن، امکان رشد می‌یابد. گسترش این پدیده خطرناک موجب واردآمدن آسیب‌هایی بر فطرت انسان‌ها، آینده جامعه وامت اسلامی می‌شود وبه‌مرور ابعاد بیشتر و گوینده‌تری پیدا می‌کند. تناسبات امت اسلامی راه‌به‌هم می‌زند. وامت بی‌مناسبات رو به زوال است. آنچه می‌تواند اجزای این امت را به هم متصل کند و آن‌ها را در کنار هم، دریکی جو آرام، پرنشاط و پیرعلاقه درباره هم و در ارتباط باهم قرار دهد، مناسبات است. اگر این مناسبات به علت تکفیر از بین برود، رفتارهای ناهنجار تاسرحد کشت‌وکشتار جایگزینش می‌شود. تکفیر اما پدیده‌ای نوظهور در تاریخ اسلام نیست، بلکه در دل تاریخ، درباره‌ای از مقاطع، به دلایل اجتماعی وفکری وزمینه‌های موجود روی داده است. بنا بر این تکفیر ماهیتا همانی است که در گذشته هم بوده است، اما آنچه تکفیر عصر حاضر را از گذشته متمایز می‌کند، چهار خصوصیت دارد؛

ابعاد جهانی آن، شبکه‌ای شدن تکفیری‌ها، اقدام به‌کشتارهای نامتعارف وحشیانه ومشوش کردن چهره اسلام رحمانی درآذهان مردم دنیا. آسیب‌های ناشی از عمل تکفیری‌ها از مرزهای اسلام عبور می‌کند. تکفیر بر تن عمل زشت‌ترین انسان‌ها لباس تقدس ودین می‌پوشاند و با این کار دست به نسل‌کشی می‌زند. این اقدامات همه‌چیز را بر فنا خواهد داد. امروز سخن از مبارزه با تکفیری‌ها گاه وبیگاه شنیده می‌شود، اما به‌نظر می‌رسد گام‌های عملی ونظری درخور توجهی برای مقابله با آن‌ها برداشته نشده است. ● گروهک‌های تکفیری به دنبال آن هستند تا ضربه‌ای سهمگین به پیکره امت مسلمان وارد کنند. با این جریان‌ها چگونه می‌توان مقابله کرد؟

خطبه‌فدکیه مواضع سیاسی حضرت فاطمه^(ص) علیه نظام حاکم و سرزنش مصادره^(ص) اراقل کرده‌اند فدک وخلافت را دربردارد. در این خطبه‌بر ایجاد وحدت در جامعه اسلامی ودوری از تفرقه ونفاق، ذیل پذیرش امامت ولایات اهل بیت^(ع)، تأکید شده است. این خطبه به دلیل دربرداشتن مجموعه‌ای از معارف در زمینه‌های توحید، معاد، نبوت وبعثت پیامبر اسلام^(ص)، عظمت قرآن، فلسفه احکام ولویات، از میراث‌های دینی نفیس حضرت فاطمه^(ص) معرفی شده است. محدثان از درباره‌با نقل این خطبه در میراث اسلامی اهتمام ورزیده‌اند. ابن‌طفیلور، عالم بزرگ اهل سنت متوفای ۲۸۰ قمری، در کتاب «بلاغات النساء» این خطبه را نقل کرده است.

علامه طباطبایی عالم مخصوص خود را داشت وزیست در آن عالم از عوامل مؤثر در رشد فکر واندیشه وساحت‌های گوناگون شخصیت اوبود. اگر امروزه با این همه هزینه که در دانشگاه‌ها وحوزه‌ها صورت می‌گیرد، از پرورش امثال آن شخصیت‌ها ناتوانیم، یکی از دلایل این است که استادان از آن عالم‌هایه‌دورند. عالم علامه مبتنی بر وحدت در کثرت و کثرت در وحدت بود. همه ابعاد شخصیت او مانند سازی بود که به‌گونه‌ای کوک شده بود که به‌مدت هشتادسال جز نواهای دل‌نشین از آن برنمی‌خاست.

ریشه توفیقات علامه را باید در عالم اوجست‌وجو کرد. زیست در آن عالم بود که ایشان نه تنها آثار

حکیم یگانه



کتاب شناخت

به روایت اسناد

